

## بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه کریمه از اوکراین: تحلیل رویه و عملکرد دولت‌ها

ستار عزیزی\*

دانشیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

پذیرش: ۹۴/۱/۲۲

دریافت: ۹۳/۸/۲۷

### چکیده

جامعه بین‌المللی درخصوص جدایی کریمه از اوکراین و الحاق این منطقه به روسیه، موضعی منسجم و یکپارچه نداشت. هرچند مخالفان این جدایی بیش‌تر بودند. همین اختلاف و تشکیک در قضیه جدایی کوزوو از صربستان نیز وجود داشت و در لوایح تقدیمی دولت‌ها به دیوان منعکس شد. موضعگیری دولت‌های درگیر در قضیه جدایی کریمه از اوکراین و الحاق این منطقه به روسیه، و مواضع مختلف کشورها از جمله آرای موافق، مخالف و ممتنع آن‌ها به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این ارتباط، نشان از این واقعیت دارد که در موضوع جدایی یکجانبه قسمتی از سرزمین یک کشور در وضعیت غیراستعماری، رویه دولت‌ها همچنان مشتت و غیرمنسجم است، به نحوی که حتی برخی دولت‌ها در قضیه کریمه، عملاً مواضعی را اتخاذ کرده‌اند که منطبق با ادعای رسمی آن‌ها در لوایح ارائه شده در قضیه مشورتی کوزوو نبود. لذا کماکان می‌توان مدعی بود که قاعده مسلمی در این ارتباط، در نظام حقوق بین‌الملل معاصر پدید نیامده است.

واژگان کلیدی: جدایی یکجانبه، رویه دولت‌ها، کریمه، جدایی چاره‌ساز

---

E-mail: satarazizi@ymail.com

\* نویسنده مسئول مقاله:

**۱. مقدمه**

اگر قسمتی از یک کشور، بدون جلب رضایت و یا موافقت دولت مرکزی، به صورت یکجانبه اعلام استقلال کند و یا به کشور دیگر بپیوندد، از این جدایی با عنوان «جدایی یکجانبه» نام برده می‌شود. در این خصوص، آنچه اهمیت دارد، فقدان رضایت نهایی و رسمی دولت مرکزی است. بنابراین، اگر این رضایت نهایی وجود نداشته باشد، جدایی یکجانبه محسوب خواهد شد، حتی اگر مذاکراتی مقدماتی برای کسب رضایت دولت مادر نیز وجود داشته باشد. در این ارتباط، اعلام جدایی کوزوو از صربستان، مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان و یا جدایی اخیر منطقه کریمه از اوکراین، با عنوان «جدایی یکجانبه» نامیده می‌شود.

ممکن است گفته شود که منطقه خودمختار کریمه، قبلاً به‌عنوان کشوری مستقل موجودیت نداشته و اکنون به روسیه ملحق شده است و لذا انتزاع این منطقه از اوکراین را نباید در ردیف جدایی یکجانبه قرار داد؛ اما باید خاطر نشان کرد که الحاق کریمه به روسیه، خللی به این تقسیم‌بندی و موضوع بحث ما وارد نمی‌کند. درست است که دو گزینه مطرح در فراندوم کریمه عبارت بودند از الف) موافقت با جدایی از اوکراین و الحاق به روسیه و ب) ابقا در کشور اوکراین با خودمختاری بیش‌تر، و منطقه کریمه بلافاصله پس از جدایی از اوکراین طی یک موافقتنامه به روسیه پیوست؛ اما صورت رسمی این الحاق به این شکل بود که ابتدا کریمه طی قانونی که به تصویب مجلس محلی کریمه رسید، از اوکراین جدا گردید و سپس رسماً خود را به‌عنوان یک دولت مستقل معرفی کرد و روسیه نیز این دولت جدید را به رسمیت شناخت. آنگاه مجلس کریمه از روسیه تقاضا کرد که درخواست الحاق این منطقه به آن کشور را بپذیرد و پارلمان روسیه و رئیس‌جمهور آن کشور نیز با این تقاضا موافقت کردند. کریمه با امضای یک موافقتنامه میان رئیس دولت کریمه و رئیس‌جمهور روسیه به آن کشور ملحق شد. در نتیجه، از منظر حقوقی باید موضوع انتزاع کریمه از اوکراین را تحت عنوان «جدایی یکجانبه» تحلیل کرد.

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴


همچنین جدایی بر حسب آن‌که در وضعیت و زمینه استعمارزدایی روی داده باشد یا خیر به دو دسته جدایی در حوزه استعماری<sup>۱</sup> و جدایی در حوزه غیراستعماری<sup>۲</sup> تقسیم می‌گردد [ ۱، ص ۳۳۰-۳۷۰؛ ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ ۳، ص ۱۴۰؛ ۴، ص ۱۰۳؛ ۵، ص ۳۴۳]. مثلاً جدایی الجزایر از فرانسه، در دسته‌بندی «جدایی در حوزه استعماری» قرار می‌گیرد، زیرا مطابق قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، الجزایر، واحدی غیرخودگردان و در واقع مستعمره تلقی می‌شود. از سوی دیگر، مواردی چون جدایی کوزوو از صربستان و یا جدایی آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان و همچنین جدایی کریمه از اوکراین را باید در گروه «جدایی در حوزه غیراستعماری» قرار داد؛ چه آن‌که هیچ‌یک از سرزمین‌های جدایی‌طلب در مثال‌های فوق‌الذکر را نمی‌توان مستعمره نامید. مشروعیت جدایی یکجانبه در حوزه غیراستعماری، موضوعی بحث برانگیز و اختلافی میان دولت‌ها و حقوقدانان بزرگ بین‌المللی است. اما حق تعیین سرنوشت سرزمین‌های مستعمره در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، به سطح قواعد آمره رسیده است و هیچ حقوقدانی بر مشروعیت جدایی یکجانبه در حوزه غیراستعماری تردید ندارد [۶، بند ۸۱]. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در چندین قضیه بر این نکته تأکید کرده است [۷، بند ۲۹، ۸، بند ۱۶، ۹، بند ۳۷].

موضوع بحث این مقاله و وضعیتی که در کریمه روی داد، جدایی یکجانبه در حوزه غیراستعماری است.

در مقاله حاضر، پس از شرح حال و توضیح مختصری راجع به تاریخ وضعیت و جایگاه واحد سیاسی کریمه در کشور اوکراین و بررسی تاریخچه ارتباط این منطقه با اتحاد جماهیر شوروی و روسیه، فرایند اعلام استقلال این واحد و همچنین واکنش جامعه بین‌المللی در این ارتباط، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

نگارنده بر آن است تا به تحلیل موضع حقوقی روسیه و معدود کشورهای حامی الحاق کریمه به روسیه از یک سو و موضع مخالفان جدایی کریمه از سوی دیگر (که

1. colonial context  
2. non-colonial context

ستار عزیزى  بررسى مشروعیت جدایی یکجانبه...

بیش از همه با واکنش ایالات متحده آمریکا و دولت‌های غربی متحد آن کشور از جمله اتحادیه اروپا روبه‌رو شد) بپردازد. در این ارتباط تلاش می‌کنیم تا موضع اخیر این دولت‌ها در موضوع جدایی کریمه را با مواضع قبلی این کشورها در موضوع جدایی‌طلبی (که به صورت رسمی در فرایند ثبت لوایح دولت‌ها در رأی مشورتی کوزوو منعکس شده است) مقایسه کنیم تا به این ترتیب مشخص گردد که آیا می‌توان از احراز قاعده‌ای عرفی در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت جدایی یکجانبه در حقوق بین‌الملل، صحبت به میان آورد یا خیر؟

## ۲. موقعیت جغرافیایی و تاریخ سیاسی شبه‌جزیره کریمه تا

### زمان الحاق به روسیه

شبه‌جزیره کریمه در شمال دریای سیاه قرار دارد و تقریباً به صورت کامل در محاصره دریا قرار دارد. کریمه و سرزمین‌های مجاور آن در خلال قرن‌های ۱۵ تا ۱۸ تحت عنوان «کریمه کاناته»<sup>۱</sup> به هم پیوستند. این منطقه پس از پایان سلطه مغول‌ها (بین سال‌های ۱۴۴۱ تا ۱۷۸۳) تحت حاکمیت تاتارهای کریمه و در واقع تحت سلطه امپراتوری عثمانی قرار گرفت. سپس این منطقه در سال ۱۷۸۳ تحت عنوان «اوبلاست توریدا»<sup>۲</sup> به امپراتوری روسیه ملحق شد.

در دوران جنگ داخلی روسیه و انقلاب کمونیستی در آن کشور، منطقه کریمه تحت کنترل ارتش سفید قرار داشت، اما پس از شکست آن‌ها از ارتش سرخ، کریمه تحت عنوان «منطقه خودمختار جمهوری اتحاد شوروی کریمه» در ساختار سیاسی جمهوری سوسیالیستی روسیه قرار گرفت. این منطقه در دوران جنگ دوم جهانی به اشغال آلمان نازی درآمد. پس از آزادسازی منطقه از اشغال نازی‌ها، کریمه مجدد به دامن شوروی بازگشت. خروشچف در سال ۱۹۵۴ در راستای جلب اعتماد و دوستی نخبگان

1. Crimean Khanate  
2. Taurida

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

اوکراینی، این منطقه را به جمهوری اوکراین بخشید. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱، کریمه با حفظ خودمختاری داخلی در چارچوب کشور مستقل اوکراین باقی ماند.

باید خاطرنشان کرد که قانون اساسی سال ۱۹۹۲ منطقه کریمه، اختیارات بیش‌تری برای پارلمان کریمه قائل بود؛ از جمله پارلمان محلی قادر بود که با دیگر کشورها از طریق معاهده، ارتباط برقرار کند، اما حکومت مرکزی اوکراین این قانون اساسی را نپذیرفت و با اعمال فشارهای زیاد سیاسی، قانون اساسی سال ۱۹۹۸ به نفع گسترش اختیارات حکومت مرکزی، جایگزین قانون قبلی شد. گسترش اختیارات حکومت مرکزی تا آنجا بود که پارلمان اوکراین حق داشت که مصوبات مجلس محلی کریمه را وتو کند [۱۰، ص ۳].

با بالا گرفتن اعتراضات داخلی در کیف که به سرنگونی حکومت یانوکوویچ که طرفدار روس‌ها بود، انجامید، تنش به مناطق روس زبان (شرق اوکراین) از جمله شبه‌جزیره کریمه سرایت کرد. روس‌زبان‌ها از آن هراس داشتند که در حکومت جدید طرفدار غرب موقعیت سیاسی، فرهنگی و زبانی آن‌ها تضعیف شود و لذا خواهان جدایی از اوکراین و پیوستن به روسیه شدند. تمایل به جدایی‌طلبی نظر به این‌که منطقه کریمه (شامل جمهوری خودمختار کریمه و شهر سواستوپولوس) تنها منطقه‌ای در اوکراین است که روس‌تباران در آنجا دارای اکثریت هستند (۵۸ درصد مردم آن منطقه روس‌تبار هستند) طبیعی به نظر می‌رسد [۱۱، ص ۱۶].

در روز ۱۱ مارس ۲۰۱۴، پارلمان کریمه و شورای شهر سواستوپول<sup>۱</sup> با صدور بیانیه مشترک اعلام استقلال جمهوری کریمه، تمایل خود به الحاق به روسیه را در صورت حمایت شرکت‌کنندگان از آن گزینه اعلام کردند و روز ۱۶ مارس را به‌عنوان

۱. شهر سواستوپول (Sevastopol) در شبه‌جزیره کریمه قرار دارد، اما اداره آن شهر از قلمرو اداره منطقه خودمختار کریمه خارج بود. با این وجود، تصمیم گرفته شد که مردم آن شهر نیز در فراندوم تعیین سرنوشت شرکت کنند.

روز برگزاری فراندوم تعیین کردند.

شهروندان می‌توانستند از میان این دو گزینه، یکی را انتخاب کنند:

الف) آیا مردم کریمه می‌خواهند به‌عنوان یک واحد فدرال و با حفظ تمامی حقوق به جمهوری فدرال روسیه بپیوندند؟

ب) آیا می‌خواهند قانون اساسی سال ۱۹۹۲ کریمه احیا شود و این منطقه همچنان به‌عنوان بخشی از جمهوری اوکراین باقی بماند؟

لازم به ذکر است که تنها آن دسته از افراد مقیم منطقه خودمختار که از گذرنامه اوکراینی برخوردار بودند، حق شرکت در فراندوم را داشتند.

در جمهوری خودمختار کریمه، ۹۶/۷۷ مردم رأی‌دهنده به گزینه الحاق به روسیه رأی دادند. در فراندوم شهر سواستوپول نیز ۹۵/۶ درصد آرای مأخوذه به نفع گزینه الحاق به روسیه به صندوق‌ها ریخته شد.

پس از اعلام نتایج فراندوم، جمهوری خودمختار کریمه، استقلال خود از کشور اوکراین را اعلام کرد و خواهان شناسایی استقلال توسط سازمان ملل متحد شد. روز بعد از برگزاری فراندوم، مجلس کریمه از فدراسیون روسیه تقاضا کرد تا الحاق جمهوری مستقل کریمه به‌عنوان یک واحد جدید ایالتی و با عنوان جمهوری، به آن کشور را قبول کند. رئیس‌جمهور روسیه نیز در همان روز با صدور فرمانی، رسماً کریمه را به‌عنوان کشوری مستقل به رسمیت شناخت. در روز ۱۸ مارس نیز رهبران روسیه، کریمه و سواستوپول، معاهده الحاق آن مناطق به روسیه را امضا کردند و دوامی روسیه در ۲۰ مارس و مجلس فدرال آن کشور نیز در تاریخ ۲۱ مارس این معاهده را تصویب کردند [۱۲، ص ۵].

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

### ۳. پیامدهای حقوقی رفراندوم و مواضع دولت‌ها و

#### سازمان‌های بین‌المللی

در این مبحث، ابتدا موضع حقوقی دولت‌های حامی و مدافع جدایی کریمه از اوکراین و سپس دلایل دولت‌های مخالف این جدایی و الحاق کریمه به روسیه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

### ۳-۱. تحلیل موضع حقوقی روسیه و کشورهای حامی جدایی کریمه از

#### اوکراین

در این گفتار، دلایل و موجبات پذیرش جدایی کریمه و الحاق آن به روسیه و تلقی قانونی بودن آن را از رهگذر بررسی موضع حقوقی روسیه و کشورهای حامی جدایی کریمه از اوکراین تحلیل می‌کنیم.

به نظر می‌رسد که دو نظریه ذیل را بتوان مبنای شناسایی جدایی یکجانبه کریمه قرار داد:


۱. بهره‌مندی مردم کریمه از حق تعیین سرنوشت،

۲. تئوری جدایی چاره‌ساز.

### ۳-۱-۱. بهره‌مندی مردم کریمه از حق تعیین سرنوشت

معدودی از حقوقدانان با تکیه بر ماده یک مشترک میثاقین - که در آن از بهره‌مندی همه مردمان از حق تعیین سرنوشت سخن رفته است - بر این اعتقادند که هر گروهی که عنوان «مردم» بر آنان صدق کند از این حق برخوردارند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند، حتی اگر گزینه مورد نظر آنان جدایی یکجانبه در حوزه غیراستعماری باشد [۱۳، ص ۵۸۷-۵۷۳؛ ۱۴، ص ۳۷-۳۱].

بعضی دولت‌ها نیز اعلام کردند که به تصمیم مردم کریمه که از رهگذر این

ستار عزیزی  بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه...

رفراندوم اعلام شده است، احترام می‌گذارند و آن را جلوه‌ای از اعمال حق تعیین سرنوشت مردم کریمه می‌دانند.<sup>۱</sup>

برخی موضع‌گیری‌های روسیه در جریان جدایی کریمه نیز نشان از آن داشت که روسیه با استفاده از حربه یادآوری رویه‌هایی مانند کوزوو و فروپاشی شوروی، قصد داشت الحاق کریمه به روسیه را مشروع جلوه دهد.

روسیه با انتقاد از موضع آمریکا و متحدان غربی‌اش، به شناسایی اعلامیه استقلال کوزوو توسط آن کشورها اشاره کرد و با استناد به قضیه کوزوو به عنوان یک رویه، خواهان شناسایی نتایج رفراندوم کریمه توسط جامعه بین‌المللی شد.

همچنین پوتین رئیس‌جمهور روسیه در پاسخ به این ادعا که جدایی یکجانبه در وضعیت غیراستعماری، مغایر رعایت اصول حاکمیت دولت‌ها و تمامیت ارضی دولت مادر است، پاسخی داد که قابل تأمل است: «اگر جدایی کریمه از اوکراین نامشروع است، به همین صورت، استقلال اوکراین از اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز غیرقانونی و نامشروع است» [۱۲، ص ۸].

در مجموع، با توجه به تناقض در موضعگیری‌های این گروه از دولت‌ها از جمله روسیه (که در بند دوم به آن خواهیم پرداخت)، نگارنده معتقد است که چندان نمی‌توان موضع دولت‌های حامی جدایی کریمه از اوکراین را ناشی از اعتقاد حقوقی آن‌ها تلقی کرد و به نظر می‌رسد که این حمایت‌ها عمدتاً با توجه به روابط سیاسی نزدیک این دولت‌ها با روسیه توجیه می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، نمی‌توان جدایی یکجانبه در وضعیت غیراستعماری را براساس حق تعیین سرنوشت تحلیل کرد و حقی برای واحدهای سیاسی تجزیه‌طلب در ادعای جدایی متصور شد.

۱. در این ارتباط می‌توان به موضع کشورهای چون افغانستان، ارمنستان، کوبا، نیکاراگوئه، کره شمالی، قرقیزستان و ونزوئلا اشاره کرد: <http://schirachreport.com/2014/03/24>



پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

### ۳-۲. تحلیل مشروعیت جدایی کریمه براساس تئوری جدایی چاره‌ساز

دولت روسیه در حوزه جدایی یکجانبه در حوزه غیراستعماری، معتقد است که جدایی تنها در صورتی مشروعیت دارد که براساس تئوری «جدایی چاره‌ساز» بتوان آن را توجیه کرد. روسیه این موضع خود را به صورت مفصل در لایحه خویش در پرونده رأی مشورتی «مطابقت اعلامیه استقلال کوزوو با مقررات حقوق بین‌الملل» مطرح کرد. در موضوع اعلام استقلال کوزوو، روسیه آن را از جمله به دلیل عدم رعایت اصول حاکمیت و تمامیت ارضی، مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل عام دانست. روسیه با استناد به نظریات علمای حقوق و اسناد بین‌المللی معتقد بود که «تمامیت ارضی، خصیصه غیر قابل انحلال حاکمیت دولت‌ها است» [۱۶، ص ۶]. در اثبات این ادعا، روسیه از جمله به بند ۴ ماده ۲ منشور، بیانیه اصول روابط دوستانه مصوب مجمع عمومی ۱۹۷۰ و بیانیه نهایی هلسینکی استناد کرد [۶، بند ۷۷].

در عین حال، روسیه بر این واقعیت اذعان داشت که «حق تعیین سرنوشت مردم» در منشور ملل متحد، ماده ۱ مشترک میثاقین ۱۹۶۶ حقوق بشر، بیانیه اصول ۱۹۷۰، بیانیه نهایی هلسینکی ۱۹۷۵ و منشور اروپای نوین پاریس ۱۹۹۰ ذکر شده و دیوان بین‌المللی دادگستری از حق تعیین سرنوشت به‌عنوان «یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر یاد کرده است» [۷، بند ۲۹].

روسیه بر این اعتقاد بود که لزوماً تعارضی میان حفظ تمامیت ارضی دولت‌های موجود و حق مردم به تحصیل کامل تعیین سرنوشت خود وجود ندارد [۶، بند ۸۵]. به این معنا که اگر دولتی، حقوق مردمی را که در سرزمینش سکونت دارند رعایت کند، اصل تمامیت ارضی، آن کشور را در برابر اجرای حق تعیین سرنوشت در شکل جدایی (حق تعیین سرنوشت خارجی) محافظت خواهد کرد [۶، بند ۸۴].

روسیه تأکید داشت که تئوری «جدایی چاره‌ساز»<sup>۱</sup> تنها در شرایط بسیار استثنایی قابل قبول است؛ یعنی در مواردی که اقدامات تبعیض‌آمیز خشونت‌بار به صورت مداوم

1. remedial secession

علیه مردم مورد بحث ارتکاب می‌یابد و تمامی راه‌حل‌ها برای حل و فصل مشکل در چارچوب دولت موجود به بن‌بست رسیده باشد. «جدایی به‌عنوان آخرین تیر ترکش تلقی می‌گردد، یعنی در جایی که موجودیت خود مردم و یا ویژگی‌های اساسی آن‌ها در معرض خطر باشد» [۶، بند ۸۷].

روسیه در تأیید نظر خود که جدایی چاره‌ساز را آخرین راه‌حل می‌داند به نظرهای علمای برجسته حقوق استناد کرد که در این‌جا به معروفترین آن‌ها اشاره می‌شود. «کریستین توموشات» این شرایط را چنین تعریف می‌کند: «آن اوضاع و احوالی که تبعیض ساختاری است و جان انسان‌ها به صورت جدی در معرض خطر قرار می‌گیرد» [۱۶، ص ۴۱]. «آنتونیو کاسسه» نیز وجود این معیارها را برای تحقق حق جدا شدن لازم می‌داند: «وقتی که مقامات مرکزی به صورتی مداوم از اعطای حق مشارکت به گروه مذهبی یا نژادی خودداری کنند و به صورتی سیستماتیک و گسترده به حقوق بنیادین آن‌ها تجاوز نمایند و امکان تحصیل راه‌حلی مسالمت‌آمیز در چارچوب ساختارهای دولت موجود به بن‌بست برسد» [۱۷، ص ۱۱۹].

«شاختر» نیز طرح مشابهی را پیشنهاد می‌کند: «الف) افراد متعلق به جامعه مدعی جدایی بایستی هویتی مجزا از دیگر اتباع آن کشور داشته باشند و در منطقه‌ای ساکن باشند که به صورتی گسترده از جدایی حمایت می‌کند. ب) اعضای آن جامعه در معرض تبعیض سیستماتیک سیاسی یا اقتصادی قرار گرفته باشند. ج) حکومت مرکزی پیشنهادهای معقول برای تأمین خودمختاری و حفظ حقوق اقلیت‌ها برای جامعه مذکور را رد کرده باشد» [۱۸، ص ۱۸۵].

دولت روسیه شرایطی را که این دولت لازم می‌داند تا گزینه جدایی چاره‌ساز را بتوان قابل توجیه دانست، چنین برمی‌شمارد:

الف) حمله مسلحانه آشکار از سوی دولت مرکزی،

ب) تهدید موجودیت مردم مورد بحث،

ج) به بن‌بست رسیدن تمامی تلاش‌ها برای حل و فصل تنش بین گروه قومی و دولت

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴


مرکزی در چارچوب ساختارهای دولت موجود [۶، بند ۸۸].

روسیه معتقد بود که کوزوو مصداق بهره‌مندی از تئوری «جدایی چاره‌ساز» نیست و شرایط لازم جهت تحقق این تئوری در مورد کوزوو محقق نشده است؛ در حالی که مدعی بود این شرایط در مورد آبخازیا و اوستیای جنوبی محقق شده است [۱۹، ص ۶۵-۸۷].

روس‌ها تاکنون درخصوص توجیه مشروعیت جدایی کریمه از اوکراین و پیوستن به روسیه، اظهارنظر دقیق حقوقی ارائه نداده‌اند، جز آن‌که به صورت کلی به اعلام اراده و حق تعیین سرنوشت مردم کریمه اشاره کرده‌اند.

البته برخی مقامات و گروه‌ها در روسیه تمایل دارند که جدایی کریمه از اوکراین را به دلیل نگرانی از نقض حقوق روس‌زبان‌ها در حاکمیت جدید اوکراین مشروع جلوه دهند و از این رهگذر تئوری جدایی چاره‌ساز را نیز در مورد جدایی کریمه از اوکراین مطرح سازند؛ اما به نظر نمی‌رسد که چنین ادعایی قابل پذیرش باشد.

لازم به ذکر است که کمیته مشورتی کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی که در روزهای ۲۱ تا ۲۶ مارس از اوکراین دیدار کرده بود، در گزارش خود اعلام کرد که تهدیدی فوری علیه بهره‌مندی از حقوق اقلیت‌ها در وضعیت جاری اوکراین وجود ندارد [۱۱، بند ۹۲]. کمیته ناظر پارلمان اروپا نیز بر این اعتقاد است که هیچ دلیلی وجود ندارد که الحاق کریمه به روسیه را تأیید کند. هیچ‌گونه تهدید فوری علیه حقوق اقلیت قومی روس در اوکراین از جمله و به‌ویژه در کریمه وجود ندارد [۱۱، بند ۹۵]. مضاف بر آن‌که قبل از مداخله نظامی روسیه، هیچ برنامه تجزیه‌طلبانه و یا الحاق‌گرایانه در برنامه سیاسی مردم کریمه وجود نداشت و جز درصد محدودی، عموم مردم از این برنامه‌ها حمایت نمی‌کردند. «موضوع جدایی‌طلبی و الحاق به روسیه، برنامه‌ای با تحریک و هدایت آن کشور بوده است و عمدتاً توسط نیروهای نظامی روسیه و با همکاری برخی نهادهای غیرنظامی متحد با آن کشور انجام گرفت» [۱۱، بند ۹۷]. کمیته پارلمان اروپا در پایان نتیجه می‌گیرد که این فراندوم، قانونی نیست و

ستار عزیزی  بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه...

همان‌طور که توضیح داده شد، نتیجه آن هم قابل قبول نخواهد بود. دخالت روسیه در اوکراین، نمونه‌ای کلاسیک از تجاوز نظامی به کشوری بیگناه بود که به الحاق و اشغال سرزمین کشور همسایه انجامید [۱۱، بند ۹۵].

### ۲-۳. تحلیل موضع حقوقی کشورهای مخالف جدایی کریمه از اوکراین

همان‌گونه که گفته شد بسیاری از کشورها در برابر جدایی کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه موضع مخالف گرفتند. آمریکا، بریتانیا و فرانسه اعلام کردند که نتیجه فراندوم را به رسمیت نمی‌شناسند و همچنان کریمه را بخشی از اوکراین تلقی خواهند کرد [۱۲، ص ۱۱].

تمامی ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا اعلام کردند که مطابق مقررات حقوق بین‌الملل، جدایی کریمه از اوکراین غیرقابل قبول است [۱۲، ص ۱۱].

پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت که فراندوم را نامعتبر اعلام می‌کرد و با رأی مثبت ۱۳ کشور و رأی ممتنع چین روبه‌رو شده بود با رأی وتو روسیه به تصویب نرسید.<sup>۱</sup> کشورهای غربی، هنگامی که از تصویب قطعنامه در شورای امنیت ناامید شدند، به دنبال تصویب قطعنامه‌ای در محکومیت انجام فراندوم و الحاق کریمه به روسیه در مجمع عمومی برآمدند. این قطعنامه با عنوان «تمامیت ارضی اوکراین» در ۲۷ مارس ۲۰۱۴ با ۱۰۰ رأی موافق در برابر ۱۱ رأی مخالف و ۵۸ رأی ممتنع به

۱. لازم به ذکر است که دولت آرژانتین (به‌عنوان عضو غیردائم شورای امنیت) پس از دادن رأی مثبت به قطعنامه شورا از دولت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده، اتحادیه اروپا و بریتانیا به‌شدت انتقاد و آن‌ها را متهم کرد که از سیاست معیار دوگانه پیروی می‌کنند، زیرا دولت‌های غربی از فراندوم سال ۲۰۱۳ در جزیره مالویناس/ فالکلند و کوزوو حمایت کرده بودند، اما فراندوم در کریمه را غیرقانونی می‌دانستند. ناراحتی آرژانتین از موضع‌گیری غربی‌ها باعث شد تا به قطعنامه مورد حمایت غربی‌ها در مجمع عمومی رأی ممتنع بدهد؛ هرچند به پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت در محکومیت فراندوم در کریمه، رأی مثبت داده بود. دولت آرژانتین در ارتباط با جدایی‌طلبی در حوزه غیراستعماری دارای موضع و رویه‌ای یکسان بوده و همواره جدایی‌طلبی را محکوم کرده است. در این ارتباط می‌توان به موضع‌گیری شدید این کشور علیه استقلال کوزوو در لایحه‌اش اشاره کرد.

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

تصویب رسید. همچنین ۲۴ دولت در جلسه مجمع عمومی که به این قطعنامه رسیدگی می‌کرد، حضور نداشتند.<sup>۱</sup> بنابراین، تنها کمی بیش از نیمی از دول عضو ملل متحد به این قطعنامه رأی مثبت دادند.


یکی دیگر از دلایل مخالفان پذیرش جدایی کریمه از اوکراین، آن بود که فراندوم در تعارض و مخالفت صریح با مقررات داخلی اوکراین از جمله قانون اساسی آن کشور و همچنین قانون اساسی منطقه خودمختار کریمه انجام شده است.<sup>۲</sup> سخنگوی سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) در پاسخ به دعوت نخست وزیر دوفاکتوی جمهوری خودمختار کریمه از ناظران انتخاباتی آن سازمان جهت نظارت بر فراندوم استقلال آن کشور گفت: نظر به این که این فراندوم مغایر قانون اساسی اوکراین است و مقامات خودمختار کریمه نیز مسئولان دولتی مستقل محسوب نمی‌شوند لذا مقام دعوت‌کننده را فاقد صلاحیت لازم جهت برخورداری از اختیارات شناخته شده برای دول عضو سازمان می‌دانند و از اعزام ناظر به کریمه خودداری خواهند کرد [۱۲، ص ۱۲].

در مجموع، دخالت نظامی پنهان و آشکار روسیه در شبه‌جزیره کریمه و سرنگونی حکومت محلی در آن منطقه و کمک به روی کارآمدن نیروهای محلی طرفدار روسیه و همچنین تخطی از موافقتنامه‌های دو ویا چندجانبه‌ای که مطابق آن‌ها، روسیه متعهد شده بود که به حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین احترام بگذارد، دو دلیل و موجبی بودند که بیش از سایر دلایل از سوی مخالفان پذیرش جدایی کریمه مورد استناد قرار گرفت.

۳-۲-۱. عدم مشروعیت جدایی کریمه به دلیل تجاوز و دخالت خارجی روسیه  
گروهی از دولت‌ها بر این اعتقاد بودند که الحاق کریمه به روسیه را از این جهت

1. United Nations General Assembly Resolution 68/262

۲. در این ارتباط می‌توان به موضع کشورهای چون استرالیا، فنلاند، گرجستان، آلمان، ژاپن و رومانی اشاره کرد:  
<http://schirachreport.com/2014/03/24>

ستار عزیزی  \_\_\_\_\_ بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه...

نمی‌پذیرند که فراندوم مربوطه متعاقب اشغال نظامی خارجی انجام شده است. این گروه از دولت‌ها معتقد بودند که نمی‌توان در جایی که منطقه‌ای تحت اشغال نظامی خارجی باشد، از اعلام اراده آزاد و صریح مردم صحبت کرد.<sup>۱</sup> وزیر خارجه لهستان نیز اعلام کرد که این فراندوم متقلبانه در زیر سایه تفنگ برگزار شده است و آن را یادآور تصرف سرزمین در قرن ۱۹ میلادی دانست [۱۲، ص ۱۴].

تیموشنکو نخست وزیر سابق اوکراین و از رهبران حکومت جدید در اوکراین نیز مدعی بود که نظر به برگزاری فراندوم تحت فشار و خشونت روسیه، نمی‌توان آن را مشروع دانست و جدایی کریمه را نمی‌توان با وضعیت استقلال کوزوو مقایسه کرد. کمیته ناظر پارلمان شورای اروپا نیز در گزارش خود مدعی شد: «بلافاصله پس از انجام تغییرات در کیف، بسیاری از اعضای برجسته دوما و شورای امنیت ملی فدراسیون روسیه و حتی برخی از نمایندگان روس‌زبان در پارلمان شورای اروپا، از کریمه دیدار کردند و حمایت قاطع روسیه از هر گونه تلاش برای قطع ارتباط این منطقه با اوکراین و تقاضای الحاق به روسیه را اعلام کردند» [۱۱، بند ۷۶].

در ۲۸ فوریه ۲۰۱۴ نیروهای نظامی روسیه (البته در لباس شخصی و نه در یونیفرم رسمی) اقدام به اشغال ساختمان‌های دولتی، پارلمان کریمه و نقاط حساس این منطقه کردند. هرچند ادعا می‌شد که این افراد محلی و این اقدامات خودجوش بوده است؛ اما نظم و دیسیپلین و تجربه نظامی این دسته ثابت می‌کند که این اشخاص همان نیروهای نظامی روسیه بوده‌اند و انجام این عملیات‌ها با این نظم و دقت نمی‌تواند کار گروهی شبه‌نظامی خودجوش باشد [۱۱، بند ۸۰].

کمیته ناظران شورای اروپا مدعی است که جلسه اضطراری پارلمان محلی کریمه متعاقب محاصره نظامی پارلمان توسط نیروهای روسیه برگزار گردید. در این جلسه،

۱. در این ارتباط می‌توان به مواضع کشورهای چین، کانادا، گرجستان و لهستان اشاره کرد:  
<http://www.thestar.com/news/canada/2014/03/06/>

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

مجلس دولت وقت را استیضاح و برکنار کرد و «سرجیو آکسیونو» را به‌عنوان نخست‌وزیر موقت برگزید. این جلسه پارلمان پشت درهای بسته و در شرایط غیرمعمول برگزار گردید و آکسیونو که رئیس حزب افراطی طرفدار روسیه بود (حزب اتحاد روسیه) را به‌عنوان نخست‌وزیر برگزیدند؛ در حالی که این حزب در انتخابات محلی سال ۲۰۱۰ تنها ۴ درصد آرا را به دست آورده بود [۸۱، بند ۸۰].

لازم به ذکر است که اقدامات اشتباه دومای روسیه نیز دستاویز لازم برای آن دسته از تحلیلگران که الحاق کریمه به روسیه را مغایر مقررات حقوق بین‌الملل می‌دانستند فراهم آورد. مثلاً پیش‌نویسی جهت اصلاح قانون اساسی فدرال روسیه در خصوص تغییر آیین پذیرش واحدهای سیاسی جدید به فدراسیون روسیه و تشکیل واحدهای جدید به این فدراسیون به دوما تقدیم گردید. هدف این اصلاحیه آن بود که پس از انجام فراندوم، الحاق سرزمین‌هایی در خارج از کشور که مایل به الحاق و جذب در روسیه هستند، بدون لزوم کسب رضایت دولت‌های مرکزی مربوط تسهیل گردد. دبیرکل شورای اروپا از «کمسیون ونیز» تقاضا کرد تا نظر خود را در این ارتباط صادر کند. کمیسیون خاطر نشان کرد که فراندوم ۱۶ مارس، به دلیل مغایرت با قوانین داخلی اوکراین و همچنین قانون اساسی منطقه خودمختار کریمه، غیرقانونی است و ناقض معیارها و قواعد بین‌المللی است [۲۰، بند ۸۲]. کمیسیون تأکید کرد که حق تعیین سرنوشت نه به معنای حق تعیین سرنوشت خارجی و جدایی‌طلبی، بلکه باید در وهله اول در سطح داخلی و در چارچوب مرزهای موجود، اعمال و تفسیر گردد. به‌علاوه هر گونه فراندوم در خصوص وضعیت یک سرزمین باید پس از انجام گفتگوهای جدی میان تمامی اجزای جامعه و طرفین اختلاف برگزار شود که در وضعیت حاضر، این مذاکرات انجام نشده است.

متعاقب صدور این نظریه، اصلاحیه قانون اساسی از دستور کار دوما خارج شد، زیرا راه حل حقوقی دیگری از سوی مقامات روسیه جهت الحاق کریمه به مقامات محلی آن منطقه پیشنهاد گردید. این راه حل آن بود که ابتدا کریمه، استقلال خود را اعلام کند و

ستار عزیزی  بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه...

سپس تقاضای الحاق به روسیه را مطرح سازد [۲۰، بند ۸۳]. اتخاذ این فرایند در مجلس دوما، این تصور را برای سایر دولت‌ها پدید آورد که دولت روسیه مبتکر جدایی کریمه است و موضوع جدایی کریمه از اوکراین مسبوق به دخالت دولتی خارجی است و اقدامی خودجوش و داخلی نیست.

رأی دولت‌های موافق به قطعنامه مجمع عمومی را نیز باید در همین راستا تحلیل کرد؛ چه آن‌که ۷۹ دولت از ۱۰۰ دولت موافق با قطعنامه محکومیت استقلال کریمه، چندی پیش استقلال کوزوو را شناسایی کرده بودند. بنابراین، این دولت‌ها، مخالفت حقوقی خود با عدم شناسایی انضمام کریمه به روسیه را تنها به دلیل مداخله خارجی روسیه می‌توانند توجیه کنند.

لازم به ذکر است بسیاری از دولت‌های اروپایی مخالف جدایی کریمه، در فرایند رسیدگی مشورتی در دیوان بین‌المللی دادگستری، بر این باور بودند که حمایت از تمامیت ارضی دولت‌ها تنها در حوزه روابط بین‌المللی قابل اجرا است و علیه جنبش‌های تجزیه‌طلب اعمال نمی‌گردد [۲۳، بند ۵. ۹؛ ۲۴، بند ۹؛ ۲۵، ص ۱۵؛ ۲۶، بند ۴۶]. به عبارت دیگر گفته می‌شد که «اصل تمامیت ارضی، وجود یک دولت یا تمامیت سرزمین آن را در برابر تحولاتی که ریشه در جریانی دارد که در چارچوب یک دولت به وقوع می‌پیوندد، حفظ نمی‌کند» [۲۴، بند ۵۰؛ ۲۶، بند ۴۲]. بنابراین، روشن است که دولت‌های مذکور نمی‌توانند، اعلام خودجوش خواست جدایی‌طلبانه از سوی مردم ساکن در شبه‌جزیره کریمه را مغایر مقررات حقوق بین‌الملل بدانند؛ همچنان‌که دیوان بین‌المللی دادگستری چهارسال قبل و در پاسخ به سؤال همین رکن از ملل متحد، به صراحت اعلام کرده بود: «حدود اصل تمامیت ارضی به قلمرو روابط بین دولت‌ها محدود می‌شود» [۲۷، بند ۸۰].

بنابراین، نگارنده بر این اعتقاد است که تأکید قطعنامه مجمع عمومی بر حفظ تمامیت ارضی دولت اوکراین نشان از ارسال پیام خاص مجمع عمومی به دولت روسیه دارد. حال که مجمع عمومی در این قطعنامه بر ضرورت حفظ تمامیت ارضی اوکراین اصرار



پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

می‌ورزد باید چنین نتیجه گرفت که دولتی خارجی (روسیه) تهدیداتی در این رابطه متوجه دولت اوکراین ساخته و مجمع عمومی خواسته است به این نحو این تذکر را به دولت روسیه بدهد. در تأیید این رهیافت باید به این واقعیت اشاره کرد که در مقدمه قطعنامه مربوط به کریمه، به مفاد ماده ۲ منشور از جمله ممنوعیت توسل به زور علیه دولت‌ها، و آن قسمت از بیانه روابط دوستانه ۱۹۷۰ اشاره می‌شود که اشعار می‌دارد هیچ دولتی نباید بخشی از سرزمین دولت دیگر را با تهدید و یا توسل به زور به خاک خود منضم سازد. همچنین در بند ۲ قطعنامه از دولت‌ها درخواست می‌گردد که از هرگونه آسیب کلی یا جزئی به وحدت ملی و تمامیت ارضی اوکراین از جمله هرگونه تلاش برای تغییر مرزهای اوکراین از طریق تهدید یا توسل به زور و دیگر ابزارهای غیرقانونی خودداری ورزند.

این تحلیل با توجه به این واقعیت تقویت می‌گردد که تا تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ تعداد ۱۰۸ کشور عضو سازمان ملل متحد، استقلال کوزوو را شناسایی کرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی بر این باور است که جدایی یکجانبه در وضعیت غیراستعماری، به خودی خود غیرقانونی نیست؛ مگر آن‌که مسبوق به تجاوز خارجی و یا نقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل باشد.

### ۲-۲-۳. نقض تعهدات دوجانبه در برابر اوکراین

همچنین برخی دولت‌ها همچون گرجستان مدعی بودند که الحاق کریمه به روسیه ناقض چندین موافقتنامه دوجانبه آن کشور با اوکراین است که مهم‌ترین آن‌ها موافقتنامه بوداپست ۱۹۹۴ است. این معاهده به امضای کشورهای پادشاهی متحده بریتانیا، ایالات متحده، روسیه و اوکراین رسیده است. در این معاهده روسیه متعهد شده است که به مرزهای شناخته شده بین‌المللی اوکراین احترام گذارد و از آن حفاظت کند. همچنین از تهدید و یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی اوکراین خودداری کرده، از اعمال هرگونه فشار اقتصادی جهت اثرگذاری بر تصمیم‌گیری سیاسی در کیف اجتناب

#### ۴. نتیجه گیری

طرفداران مشروعیت جدایی شبه جزیره کریمه از اوکراین، دو نظریه ذیل را مبنای شناسایی جدایی یکجانبه کریمه می‌دانند:

۱. بهره‌مندی مردم کریمه از حق تعیین سرنوشت،

۲. تئوری جدایی چاره‌ساز.

معدودی از حقوقدانان با تکیه بر ماده یک مشترک میثاقین - که در آن از بهره‌مندی همه مردمان از حق تعیین سرنوشت سخن رفته است - بر این اعتقادند که هر گروهی که عنوان «مردم» بر آنان صدق کند از این حق برخوردارند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند، حتی اگر گزینه مورد نظر آنان جدایی یکجانبه در حوزه غیراستعماری باشد. گروهی از دولت‌ها از این تئوری حمایت کردند و در برخی بیانیه‌های دولت روسیه در خصوص جدایی کریمه از اوکراین به آن اشاره شده است، اما تئوری پذیرش جدایی طلبی به صورت مطلق جایگاهی در حقوق بین‌الملل موضوعه ندارد. تئوری جدایی «چاره‌ساز» نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده جدایی کریمه از اوکراین باشد. با بررسی لایحه دولت روسیه در خصوص مغایرت استقلال یکجانبه کوزوو با مقررات حقوق بین‌الملل از یک سو و ملاحظه اظهارات مقامات رسمی آن کشور در خصوص علت پذیرش جدایی یکجانبه آبخازیا و اوستیای جنوبی از سوی دیگر، می‌توان به این نتیجه رسید که دولت روسیه به صورت کلی معتقد است که حق تعیین سرنوشت خارجی در وضعیت غیراستعماری تنها در مواردی استثنایی پدیدار خواهد شد که از آن با عنوان جدایی چاره‌ساز نام برده می‌شود. این در حالی است که بررسی وضعیت و اوضاع و احوال زمان جدایی کریمه از اوکراین نشان می‌دهد که روس‌تبارهای ساکن در این منطقه، هرگز در وضعیتی قرار نگرفته‌اند که حقوق بنیادین بشری آن‌ها مورد انکار مقامات حکومت مرکزی قرار گیرد و یا با تجاوز مسلحانه دولت مرکزی روبه‌رو

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

باشند. همچنین مقامات محلی کریمه هر نوع مذاکره با مقامات دولت مرکزی جهت رسیدن به یک راه‌حل مرضی‌الطرفین را رد کردند و لذا در این ارتباط به نظر می‌رسد مسؤولیتی متوجه دولت مرکزی اوکراین نبوده است.

از سوی دیگر، موضع‌گیری غالب دولتها حکایت از غیرقانونی بودن انضمام شبه جزیره کریمه به اوکراین دارد. بسیاری از کشورها در برابر جدایی کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه موضع مخالف گرفتند. آمریکا و تمامی ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا اعلام کردند که نتیجه فراندوم را به رسمیت نمی‌شناسند و همچنان کریمه را بخشی از اوکراین تلقی خواهند کرد. هرچند پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت که فراندوم را نامعتبر اعلام می‌کرد و با رأی مثبت ۱۳ کشور و رأی ممتنع چین روبه‌رو شده بود با رأی وتو روسیه به تصویب نرسید، اما کشورهای غربی به دنبال تصویب قطعنامه‌ای در محکومیت انجام فراندوم و الحاق کریمه به روسیه در مجمع عمومی برآمدند. این قطعنامه با عنوان «تمامیت ارضی اوکراین» در ۲۷ مارس ۲۰۱۴ با ۱۰۰ رأی موافق در برابر ۱۱ رأی مخالف و ۵۸ رأی ممتنع به تصویب رسید.

مفاد قطعنامه مجمع عمومی حکایت از این واقعیت دارد که انتزاع کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه، بر این اساس محکوم شده است که انضمام مربوطه مسبوق به تهدید و در مواردی با توسل به زور توسط روسیه در شبه‌جزیره کریمه صورت گرفته است و کشورهای رأی‌دهنده به این قطعنامه بر آن بوده‌اند که مستند به رأی مشورتی دیوان، مغایرتی میان موضع‌گیری آنها در شناسایی استقلال کوزوو با محکومیت جدایی کریمه از اوکراین وجود ندارد؛ زیرا بیانیه استقلال کوزوو به دنبال تجاوز نظامی خارجی صورت نگرفته، اما الحاق کریمه به روسیه مسبوق به دخالت پنهان نظامی روسیه بوده است. یکی دیگر از دلایل مخالفان پذیرش جدایی کریمه از اوکراین، آن بود که فراندوم در تعارض و مخالفت صریح با مقررات داخلی اوکراین، از جمله قانون اساسی آن کشور و همچنین قانون اساسی منطقه خودمختار کریمه انجام شده است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که جدایی کریمه از اوکراین و انضمام آن به

روسیه، مغایر مقررات حقوق بین‌الملل است.

## ۵. منابع و مأخذ

- [1] Crawford James, *Creation of states in International Law*, Oxford, 2 edition, 2007.
- [2] Musgrave Thomas, *Self-Determination and National Minorities*, Oxford University press, 2002.
- [3] Radan Peter, *The Break-up of Yugoslavia and International Law*, Rutledge, 2002.
- [4] Przetacznik Frank, "The Basic Collective Human Right to Self-Determination of Peoples and Nations as a Prerequisite for Peace", *N. Y. L. SCH. J. HUM. RTS.* Vol: 49, 1990-91.
- [5] Anderson Glen, "Secession in International Law and Relations: What Are We Talking About?", *Loy. L. A. Int'l & Comp. L. Rev.* Vol: 35, 2013.
- [6] WS of Russia in Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo Case, para. 81.
- [7] East Timor (Portugal v. Australia), Judgment, *I. C. J Reports* 1995, p. 90, at 102 .
- [8] Legal Consequences for states of the continued presence of South Africa in Namibia ( *South West Africa*) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970 ), *Advisory Opinion, I. C. J Reports* 1971.
- [9] Western Sahara, *Advisory Opinion, I. C. J Reports* 1975.
- [10] Sasse, Gwendolyn (3 March 2014). "Crimean autonomy: A viable alternative to war?". *Washington Post*. Retrieved 6 March 2014 .
- [11] The Report of Committee on the Honouring of Obligations and Commitments

پژوهش‌های حقوق تطبیقی \_\_\_\_\_ دوره ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

by Member States of the Council of Europe (Monitoring Committee), Doc. 13482, 08 April 2014.

- [12] [http://en.wikipedia.org/wiki/Crimean\\_status\\_referendum](http://en.wikipedia.org/wiki/Crimean_status_referendum), 2014
- [13] Ryngaert Cedric and Christine Griffioen, "The Relevance of the Right to Self-determination in the Kosovo Matter: In Partial Response to the Agora Papers", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 8, No. 3, 2009.
- [14] Jia B. B., "The Independence of Kosovo: A Unique Case of Secession?", *Chinese Journal of International Law*, Vol. 8, No. 3, 2009.
- [15] Kohen Marcelo, "Introduction" in *Secession: International Law Perspective*, Edited by Marcelo Kohen, Cambridge and New York, 2006 .
- [16] Tomuschat Christian, "Secession and Self-Determination", in *Secession: International Law Perspective*, Edited by Marcelo Kohen, Cambridge and New York, 2006.
- [17] Cassese Antonio, *Self-Determination of Peoples: A Legal Reappraisal*, Cambridge University Press, 1995.
- [18] Schechter Oscar, "*Micronationalism and Secession*" in *Recht zwischen Umbruch und Bewahrung*, Berlin, 1995.
- [۱۹] عزیزی، ستار، «موضع و دلایل حقوقی روسیه در شناسایی جمهوری‌های آبخازیا، اوستیای جنوبی و عدم شناسایی کوزوو»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۲، بهار - تابستان ۱۳۸۹.
- [20] <http://www.thejakartaglobe.com/opinion/farcical-referendum-crimea/>
- [21] WS of United Kingdom in Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo Case .
- [22] WC Swiss in Accordance with international law of the unilateral declaration

of independence in respect of Kosovo Case .

[23] WC USA in Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo Case .

[24] WC Albania in Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo Case .

[25] WC Author (Kosovo) in Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo Case .

[26] WC of United Kingdom in Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo Case .

[27] Accordance with International law of the Unilateral Declaration of Independence in respect of Kosovo (Request for Advisory Opinion).